

## "انجام وظیفه" پیش از "انتخاب"

پس از "انتخاب" رفستگانی به ریاست روزنامه‌های مجاز طوری است که دستگاه‌های تبلیغاتی دولتی هم او را یک مقام رسمی در ردیف فرستاد. در پیام از "اعتماد قطعی" خبینی به رفستگانی سخن رفته و چنین تاکید شده است، "من خود را موظف می‌دانم همچون گذشته در کنار شما باشم چند هفت پیش ۲۱ تن از نمایندگان مهیلس و در حد توافق به شما خدمت نمایم".

سید احمد خبینی ظاهر امیق مسئولیت مشخصی در دستگاه حکومت ج. ا. ندارد، ولی لحن پیام او طوری است که کویا از جایگاه یک مقام رسمی و معتبر با طرف مورخ خطابش سخن می‌کوید و اورا از حسابت خود مطمئن می‌سازد. گیریم "قوت و فدرت و ارشاد این رکن مهم قانون‌گذاری در عرصه تصمیمات کشور" خواهد شد، زیرا در زمان حیات پدرش به روزگار و آشنائی داشته و در چریان مسائل پشت پرده بوده است. حاکمیت ج. ا. حضور دارد و نمی‌شود نادیده اش گرفت. همچنین نحوه پخش پیامهای متعدد فرزند خمینی است که نمایندگان مجلس خودسرانه چنین طبعی است که راثنوشته‌اند و تمارندگان اصلی آن را باید نامه‌ای در صدر اخبار صدای ج. ا. و انتشار آنها در

نامه مردم  
از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۲۱، دوره هشتم، سال ششم  
سه شنبه ۱۷ مرداد ماه ۱۳۹۸

## تهران - قل آویو

## وناوگان جنگی آمریکا

ارتشر اسرائیل، با همتاری نزدیک "موساد" شیخ عبید، یکی از سردهستهای تزویریستهای حزب اللهی لبنان را که در خدمت سران جمهوری اسلامی ایران است، ریبود. این عمل اسرائیل با عنکبوت اینها ایالات متحده آمریکا، روپرتو شد. گامی که حزب اللهی‌های لبنان با کشتن سرهنگ ریبوده شده آمریکائی برد اشتبه، وضع را خیم برکرد. سختر این بروش و اقدامات پنهانگون دایر بر اعزام ناوگان هجتگی و از چمله ناو هواپیماه آمریکا به منطقه خاورمیانه و دریای عمان و... پیانک توطئه‌های بندیدی در منطقه ماست. اینکه هار دیگر نقش جمهوری اسلامی ایران در مرکز تبلیغات رسانه‌های گروهی فرار گرفته خود دلیل پارز وجود کاسه ای زیر نیم کاسه است.

وزیر امور خارجه اسرائیل به هنگام سختر این در پارلمان آن کشته شد، صریح گفت که قتل از اقدام به ریبودن سردهسته حزب اللهی‌های لبنان، دولت کلیه ایامدهای ناشی از این عمل و حقی احتمال کششان گروگانهای آمریکائی ریبوده شده توسط حرب اللهی‌هار اپیش پیغی کرده و سنجیده بود.

پایید پرسید پس در اینصورت به چه علت تل آویو به این عمل ساچرا جویانه دست زده است؟ وزیر دفاع اسرائیل می‌گوید هدف آزاد کردن سه سپاه اسرائیلی از سویی و مهاره بآدام ریاضی از سوی دیگر بود. آیا می‌توان با آدام ریاضی به آدم ریاضی پایان داد و با پایا ترور علیه تروریسم مهاره بکرد؟

چنانکه می‌بینیم اقدام اخیر تل آویو ظاهرا فاقد هرگونه منطق است و این پرسش خواه ناشوه ای پیاسخ می‌ماند که هدف چیست؟ ما می‌کوشیم تا آنجا که امکان دارد پاسخی برای این اقدام نویسی اسرائیل و عنکبوت ایالات متحده آمریکا پیدا کنیم.

معولاً، افراطیون صرفنظر از اعتقادات و ملیت و... دارای ویژگی خاص مشترکی هستند که آنها را از دیگران متمایز می‌کنند. این ویژگی بقیه در ص ۲

## راه گل‌های سرخ

پادشاه رفیق شهید  
سرگرد خلبان بینائی ماسوله

## هن آزاد شدم

## با گینه‌ای تلخ و بزرگ

در ص ۵

## هزینه بسیار برای هیچ

"انتخابات" ریاست جمهوری و "همبرسی" اصلاح قانون اساسی روز ششم مرداد برگزار شد. همانتونه که از پیش روش بود، رفستگانی باحدود ۱۵/۵ میلیون رای از صندوق‌های سردار ورد و حدود ۱۶ میلیون رای بدوسود مواد اصلاح شده قانون اساسی به صندوق‌ها ریخته شد. محتشمی وزیر کشور، پیش از تهر روز یکشنبه ۸ مرداد، با ساختی که در صورت انجام انتخابات واقعی در کشور ماناعقول بمنظور مرسد، نتایج رسمی آنرا اعلام کرد. در سزمنی پنهان از این راههای موافقانی نهاده شد. معمولی هم میان بسیاری شهرها و رسته‌های شوراها و معاشرانی وجود ندارد، چه رسد بدوسایل مخابر اتی، قادر نی توان طرف ۲۴ ساعت، حتی اگر مأموران از خواب و خوارک هم بیندترند، پیش از ۱۶ میلیون رای را شرد و خواند و نتایج آنرا به مرکز شهرستانها رساند و از آنجا به تهران مخابره کرد. ولی در جمهوری اسلامی که در آن انتخابات به معنای واقعی کلمه انجام نمی‌شود البته همه چیز امکان پذیر است.

رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای تنهبان بر انتخابات در یک مصائب، مطبوعاتی اعتراف کرد، در این انتخابات افراد شناخته شده خود را کاندید انتخاب کردند. ظاهر اتخار تلخ سالهای گذشته قانع شان کرده بود، که در جمهوری اسلامی ایران، کسی با رای مردم به مقامی برگزیده نمی‌شود، بلکه همه چیز در جلسات اطیبان می‌توان گفت که اگر مردم به ادامه حکومت توکر اتیک رای مثبت تدهند، "ولی فقیه" که خود را "ولی امر" و "جزیری دستورات" آسانی در روی زمین می‌داند، آرایشان را باطله و خودشان را "مفاسد فی الأرض" اعلام خواهد کرد. رئیس "ولایت فقیه" حتی به قوانینی که خود وضع می‌کند باین‌نیست. خمینی ثان مجلس شورای ملی را که در قانون اساسی باصراحت ذکر شده بود خودسرانه تبدیل به مجلس شورای اسلامی تکردد و تازه پس ازده سال دستور داد این قانون شکنی را در اصلاحیه قانون اساسی پست‌نمایاند. این اعتراف رفستگانی جمعی آدم خوشبادر، نام خود را برای احراز مقام ریاست مجلس را دوخته اند و از همین موضوع است که در امور کشور مداخله می‌کند و برای تقویت یا تغییف مواضع این و آن فرد از قول پدرش دروغ می‌باشد.

اساسی باصراحت ذکر شده بود خودسرانه تبدیل به مجلس شورای اسلامی تکردد و تازه پس ازده سال دستور داد این قانون شکنی را در اصلاحیه قانون اساسی پست‌نمایاند. این اعتراف رفستگانی هم جالب توجه بود و مایه "در دسبرای شورای تنهبان می‌شوند. امام محمد است که گفت ما با گرفتن تایید امام، هر یک از مواد قانون اساسی را که می‌خواستیم مسکوت بقیه در ص ۶

ماراه پرافتخار شهید ان نواده‌ای را ادامه خواهیم داد!

- \* در چند روز اول مرگ خیفی، تردد پسمت زندان این ممنوع اعلام شده بود.
- \* هرای گشیل عده‌ای از مردم به بهشت زهراء مناسبت شد هفت مرگ خیفی، چلو چند کارخانه بکارگران را علیرغم اعلام تعطیل شدن کارخانه‌ها، جمع کرده بودند تا به بهشت زهراء بند.

\* در هفت حوض نارمرک عده‌ای از ازادل و  
اویاش چلوی زنان و دختران چوan رامی کیرند که  
بنوز امام سرش را زمین نگذاشتند، شما این چور  
بیرون آمدید. کار به کنک کاری و چاقوکشی  
کی گشتد. الهته مردم به باری زنان و دختران  
ای آیند و با دخالت گمیته مسئله خاتمه پیدا  
گردند.

هر پایه<sup>\*</sup> هر آورده که من و تعدادی از  
وستامن که در نقاط مختلف تهران زندگی  
کنند، به عمل آوردهم حتی ۲ درصد مردم در مراسم  
لهمت شدند. الهی ناگفته نشاند که برای حفظ  
لماهر کم نبودند کسانی که مشکل پوشیده بودند.  
زیم چهارمی اسلامی، و پرخی رسانه‌های مگروهی  
رب بودون تردید با انتیزیره‌های عینی سعی کردند  
بن مسلمه را تولیع کنند که ۹ تا ۱۰ میلیون نفر در  
راس به خاک سپاری خیانتی شرکت داشته اند.  
ولی تاویزیون چهارمی اسلامی عمل  
توانست فیلم مستندی را که گواه این مدعای باشد،  
نه نیایش پذیرد. از اینرو پیشتر تلاش تاویزیون  
جمهوری اسلامی این بود که با پخش صفحه‌های  
ینه‌زنی و عزاداری افکار عمومی را  
راتکیزد.

## ”انجام وظیفه“ پیش . . .

در راس حاکمیت ج. ۱. جستجو کرد که در چارچوب تقسیم قدرت در واقع مقام ریاست مجلس را به او پیشنهاد کرد اند، بهخصوص که او می‌توانست یکی از مدعيان "رهبری" و ریاست جمهوری به شار آید و مثلاً اگر در "انتخابات" ریاست جمهوری شرکت می‌کرد اینطور نهود که بتوان او را ممثل شیوه‌نامی برای ازسراده دور کرد. بهر حال، اکنون بیش از راحتی ازسراده است که اگر حادثه غیر منتظره‌ای پیش نیاید در آینده "ژردنی" پس از انجام تشریفات رسمی "انتخابات" فرزند خمینی می‌باشد از که، راست مجلس نشسته خواهد داشت.

اما از آنها که در ریاست جمهوری سید موسی مولودی را انتخاب کردند، اینها که در ریاست جمهوری رئیس مجلس وغیره کار خود را شروع می‌کنند و بعد انتخاب می‌شوند، از هم اکنون می‌توان گفت که "بادکار امام" خود را "موظف" می‌داند که در کنار "رهبر" و ریاست جمهوری، در جایاته مقامی که برایش در نظر گرفته اند "خدمت" کنند. بنابر این تعجبی ندارد که استگاههای تبلیغاتی چ . ا. انتشار بیانات و بیانهای سید احمد خمینی را مثل سخنان خامنه‌ای، و رفسنجانی در صدر امور خود قرار دهند. در این میان تنها امری که در نظر گرفته نمی‌شود خواست عموم مردم است که آن هم از نظر زعمای چ . ا. علیرغم بیانه‌هایی که به راه می‌اندازند، فاقد اهمیت است.

اسلامی است باید پایان داده شود. این نیز فقط و فقط با تشذیب مهاره متحده و مشترک امکان پذیر است. بردم اینرا عدول از اینچنان چهه واحد ضد رژیم را خواهند پختند.

می گذارند. تهران با خودداری از شناسایی دولت  
کنسطیوشن و رئیس جمهور آن، پیاسعرفات، عملابه  
اسر اثیل خدمت کرد. در مقابل تن آلوپوکوشید تا پس  
از مرگ خمینی، گروه خامنه‌ای-رشتجانی را تحت  
حمایت تهییقات خود پذیرد. با توجه به اینکه  
مهوبیتیسم بین المللی نقش مهمی در رسانه‌های  
گروهی آمریکا و جهان ایفا می‌کند، به سهولت  
کسی توان به اهمیت این اقدام اسرائیل بی  
دان.

در ماجرای چدید رهون شیخ عبید، یکی از رهبران نژاد پیشتهای "خرب الله" در لبنان، هار دیتیر بهای جمهوری اسلامی ایران به میان آمد. آبا این یک مر تصادفی است؟ البتنه نه! "خرب الله" لبنان و از چمبله رس دستگاهش مژدوران جمهوری اسلامی ایران مستند. تهران سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار صرف تهداری آنها می‌کند. این نیز پدیده‌ی است که آدم بیائی در لبنان با صواهدید تهران انجام گیرد.

مرگ خمینی موجهات تضعیف رژیم حاکم بر  
ایران را فراهم آورد. تکریچه در مهارزه برس  
درست سگره خامنه‌ای-رفسنجانی توanstه بحریف  
بیشی کبرد، امامتسریع روند رویتند اینی توده‌ها به  
وازات تشذیب و خامت وضع اقتصادی و نیز ادامه  
بهارزه برس قدرت، آینده رژیم راهمچنان تهدید  
کنند.

رسانه‌های گروهی غرب رضایت خود را از پیروزی میانه روهای «پنهان نمی‌کنند. اما، هم آنها هم سران اصلی رژیم در تهران می‌دانند که بدوں سلب توده‌های شاراضی و منحرف کردن افکار عمومی زمشکلات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، بهر طریق و سبیله‌ای، نمی‌توان «میانه روهای» مورد علاقهٔ رب راهبرس قدرت نتهاد است.

در چنین اوضاع و احوالی، ناتکهان و هدوان پیچ مقدمه‌ای شیخ عهید ریبوده می‌شود و بلافاصله هنگ آمریکائی اسیر «حزب الله» لهنان را لق آویز می‌کنند و متعاقب آن شاوهگان چنین مریکا پرسوی کرانه‌های لهنان و ایران روایه شردد.

پاید بسیار ساده لوح بود تا باور کرد که  
ویدادهای اخیر چنینه‌ای تصادفی داشته است.  
بینکه اعمال مذکور بر اساس توافقی نوشته یا  
نوشته میان طرفهای درگیر صورت می‌پذیرد، در  
رچه دوم اهمیت قرار دارد. در این میان نکته<sup>۵</sup>  
سلم آن است که از این وقایع هم اسرائیل، هم  
جمهوری اسلامی و هم امریکاسود می‌پرسند. مثللاً سران  
جمهوری اسلامی به شک از این مسئله هرای تحکیم  
یده‌های متزلزل حاکمیت خود استفاده خواهند کرد.  
مری که با خواست امیریالیسم هرای تحکیم  
و قعیت "میانه روها" در ایران تطابق دارد. بازندۀ  
این میان مانند همیشه مردم ایران خواهد

ماجره اچوئی های رژیم تا کنون عواقب فاجعه ری برای مردم ایران داشته است. تهدید به قتل بی دیگر از گروگانهای آمریکائی توسط مزدaran نشانی واپسنه به سران چهارمی اسلامی ایران، پیشنهاد نشان دادن و بیدوی خطر اینی کوتاه قربانی بقی طخاب به زن و فرزندش، خشم و نفرت امیونها آمریکائی را به عنایت خود است. پیتناگون همان نشی دارد که اکنون گروگانها آزاد نشوند، دست عملیات نظامی علیه ایران و لهستان خواهد زد. یعنی ادامه چنایت مزدوران لهستانی رژیم تو اند به بهای چنان صدها ایرانی بی گناه پایان

به دیپلماسی متکی پر ترویسم و گروگان‌تیری زائیده سیاست داخلی رژیم ضد خلقی جمهوری

تهران-تل آویو

علقاً مفربط به آدم رهائی و ترور است. هیئت‌های حاکمه اسرائیل و چهارمی اسلامی ایران در دیدی این‌گونه افرادیان قرار دارند. تروریسم و چه مشترک‌که مرد رژیم است و این نیز شایع‌ترین دیکی هر چه بیشتر آنها را فراهم می‌آورد.

که هر دو روزیم نوشیده اند  
د می کوشند تا از شیوه های مطربود و ضد انسانی  
که رگانستیری و ترور برای حل مسائل سیاسی به سود  
خوبیش بپره گیرند. به بیان دیگر، آدم ریاضی و  
تروریسم به حرفه " دیبلماتیک در دست رهبران  
ج ۱. و اسرائیل تهدیل شده است. هر دو دولت نه  
نهانها موازین اخلاقی، هل موائزین و اصول حقوق  
بین المللی مورد پذیرش بشریت متعدد را زیر پا  
کی گذاشتند. در هر دو کشور آدمکشی به وسیله ای  
که دستیار به اهداف سیاست داخلی خواهد

بر این مسیه ای که اندک است یکی از این دشمنی و خارجی و حکمیت پایه های رژیم تهدید شده و به طبع سیاست ولتی ارتقا یافته است. چالب آن که هم تلا آدیو و م تهران، دیگران را به ترور و ترویریسم متهم ی سازند. مثلث شاهیر، نجست وزیر اسرائیل که یکی از سرشناس ترین ترویریستهای چهان است، اسراعرفات را ترویریست می نامد. در حالی که موساد و نیروهای مسلح اسرائیل هر روز کودکان و زنان و مردان بی گناه را در اراضی اشغالی به شکن خون می کشند، وزیر امور خارجه آن کشور رهبدن درسته آدم ریایان حزب الله لبنان را مهاره زده روریسم می نامد و بدتر از همه می گوید بیش راه پیکری وجود نداشت.

در تهران نیز، وقتی خمینی با مشورت و مباحثت پیروانش فرمان قتل عام هزاران زندانی پیاسی به گناه را صادر می‌کرد، همان راهی پیش از آن رفته بود که معمولاً توریستها مایه‌پردازی طی کرده و این تندت. امروز هم وارثان خمینی به همان شیوه‌های بد پسری در مقابله پادگراندیشان و مخالفان خود، است می‌زنند.

چنین "خویشاوندی" نزدیک در پکارگیری بوده‌هاي مشاهه، سران رئيه‌هاي تهران و تزل آبيورا خصصا به "همكاری" در خفا سوق مي‌داد. در سال‌هاي خير ما شاهد اندماج اين‌گونه "همكاريهای" پنهان‌هاي رود آمده.

اکنون دیگر همه می دانند که بیان حکم  
۱. با ادامه چنگ و بیرانگر ایران و عراق و  
بنسان ایجاد تفرقه میان کشورهای عربی و تضعیف  
در نظامی آشنا، بزرگترین خدمت راهه ارتش  
بغالاتر صهیونیست ها کرد. اسرائیل با کمک غیر  
استقلم تهران توافست به اشغال لبنان و کشتنار  
سامندگان فلسطینی در آن کشور و بالاخره اخراج  
بهراں سازمان آزادیبخش فلسطین از لبنان تحقق  
شد.

پس از بهمراهان نیروگاه هسته‌ای در دست ختمان عراق توسط نیروهای هرائی اس ائیل، اسپات پنهانی تهران و قتل آویو وارد مرحلهٔ بینی شد. سفر مخفیانهٔ صادق طباطبائی خوشبازد بینی به اس ائیل و امضاً شخصیتین فرار اد معاملهٔ ملحه و یدکی با آن کشور و سپس خرید تسليحات سامی از ایالات متحدهٔ آمریکاها و سلطنت اس ائیل به ماجرای "ایران گیت" مشهور است، محصول ن مرحلهٔ نوین پیشمار می‌رود. طبق نوشتهٔ هنوزات اس ائیل با وجود "چنت تبلیغاتی" هری، رژیم ایران هیبتگاه معاملهٔ بازرگانی با

## من آزاد شدم با گینه‌ای نلخ و بزرگ

برچیدن بساط شکنجه و شلاق و آزادی کشی.

مه هاست که افکار عمومی در ایران و جهان، خطری که جان زندانیان سیاسی زن ایران را دید می کند، آگاه شده اند. در چنین شرایطی باید آرام گرفت. باید با بهره جویی از اشکال شیوه های گوناگون، کارزار دفاع از جان دادنیان سیاسی را گسترش بخشد. دقیقا درین چارچوب از همه اعضا و هواداران حرب و انتدکان "نامه مردم" در سراسر ایران می طبلیم، در هر کشوری که هستند، نامه را به زبان محلی خویش برای آگاهی از اینان ترجمه و تکثیر و پخش کنند. متن آن را اختیار همه بنگاه های انتشاراتی و خبری ملی و بین المللی، همه مجامع دفاع از حقوق انسان، همه تشکل های صنفی و سیاسی و نیروها و مصیبتهای مترقبی، دمکراتیک و پسروست و محظوظ خواه قرار دهند و از آنها بخواهند که بانگ تراپ خود را علیه حکومت ترور و خفغان کم بر ایران هرچه رساتر سازند و خواستار ادب بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران ند.

کردند. مشت و لند تنبیه سُنک مخصوص زنان حساب مرآمد.

روزهای بدی بود. شب اعدام گروهی  
وستان و رفقاء را می‌شنیدیم. ازان بین همه  
نکسانی را که من می‌شناختم از بهترین و  
اکارترين جوانان ایران بودند. به هر حال، بعد  
از ۲ سال در سلول انفرادی بودم، بخاطر اعدام  
هرم را به بند عمومی منتقل کردند. اندوه عظیم  
اشی از مرگ و فقدان همبشکی عزیزترین کس بیش  
ز هر کس نتهاجا را هم فراموش کرده بود. حتی  
در شکنجه را هم فراموش کرده بودم. دردی که  
تکام اصابت شلقم بر کف پاهایم، در تمام تنم  
پیچیده، دردی که غیر قابل توصیف بود. بـ  
بن وجود، وقتی به بند عمومی منتقل شدم، در آنجا  
ادوستان، رفقا و زنان جوانی روپروردم که بعضی  
نم از چند روز زندگی مشترک گدارشان به این  
عصوم بود که اندوه شود را رک باخته تر می‌دیدم.  
مدردی های زنان با یکدیگر شرایط را قابل تحمل تر  
ساخت. بچه های به مردانه، خمامه، هدبیست

ی پرداختند، بدون آنکه از تعصب به جای حزبی و ازمانی خبری در میان باشد. برایم جالب بود که عقل سازمانی در درجهٔ چندم اهمیت قرار گرفت. بین ماهیم دستران ۱۶ و ۱۷ ساله بیشتر خوردن و هم زنان ۶۰ - ۵۰ ساله، همه در افق ناگفته‌ای، بیشتر سهیمه ناچیز خودمان را به کنجه شدکان زخمی، بیماران و زنان بارداری دادیم. وضعیت زخیم‌ها از همه ناراحت کننده‌تر بود... آثار شکنجه را بر سوابی بسیاری از ندانیان می‌شد دید. پاراکه به کابل می‌بستند، بعد از چند روز جای خط کابل پیر از خون می‌شد و روم

## فقا و دوستان حزب! خوهانندگان نامه مردم!

نامه‌ای که در زیر با آن آشنا می‌شوید، نامه شیرزون زندانی ازیند رسته است که هایی چند از زندگی خود را در دوزخ آن‌های خمینی گذرانده است. این نامه ندهنده روایت تلخی است از شرایط نجف‌بار و غیر انسانی حاکم بر سیاهچال‌های ام "ولایت فقیه" که بهترین و آگاه‌ترین زندان مبارز این مرز و بوم را ب مجرم عشق به قق و میهن به بند می‌کشد، تحت شکنجه‌های اسناد جسمی و روحی قرار می‌دهد و هزار دی یکبار گروهی از آنها را روانه میدان‌های دام می‌کند.

سیر و سرنوشت نگارنده این نامه، باشد و  
فی معین، می‌تواند سیر و سرنوشت امروزی یا  
دادی صدھا تن از زنان آزاد و پیکارگر میهن ما  
ند. از این رو، وظیفه منکیتی در برابر هر  
سان آگاه، مترقی، آزادیخواه و پشدوست  
ار می‌گیرد؛ وظیفه افشاری هرچه گسترده‌تر  
اهکاری‌های رژیم قرون وسطایی به منظور

... ماهیایی از زندگی هشت که ماتولد شته بود.  
ک شب آمدند و زندگیمان را تاراج کردند.  
لباس خوابم را عوض نکرده بودم که عالیرغم  
موازین انسانی و "شعی" که از آن دم می زندنه،  
اتفاق خوابیمان شدند. تمام خانه را زیر و رو  
شدن. حقیقی توارهای کاست را یکی پسکشتند و  
شش را دیدند. کلیه "خبری دندانها" و داروهای  
می را ریختند و رختخوابها و حتی داخل وسایل  
بریکی و صوتی مانند پینچال و ضبط صوت و ... را  
نکردنده و همه "اینها" بقول خودشان "بازرسی های  
به" بودند. همان شب به پیشنهای من و همسرم  
بیند زدند و افسوس که نمی داشتم این واپسین  
ار ماست. هر یک از مارا بسوی بردند و من تنها  
نکر شوهرم و دیگر دوستانمان بودم. همان لحظه  
بیم گرفتم که مسئولیت هر "جرمی" را خود به عهده  
نم تا شوهرم را ازدست این جلد ادان نجات دهم.  
بر حال ما از هم جدا شدیم، بدون آنکه آخرین  
را گفته باشیم و من از آن شب دیگر بی خبر  
نم تا دو ماه بعد که خبر اعدامش را به من  
برند...

تصویری که از زندانی‌ها رژیم داشتم، تقریباً  
تی بود که دیدم؛ سلوول اتفاقاً دستگ و  
پیک... شنجه و شلاق... در زندانی‌های جمهوری  
می با زندانیانی که در قاموس بین‌المللی  
است، سر و کار نداشتیم، بلکه اساساً با  
بود اتی مسخ شده، کینه توڑ و عقده‌ای سر و کار  
نمی که بوبی از انسانیت و مناسیات پاک  
اثری نبرد بودند. برایم، بی‌نهایت دردناک  
که انسانها این پایه نزول کنند که چند زنگ  
انسان نباشند. بسیار، از آنها در شنجه و آزار  
انهای دیگر شب و لئند را حواله زندانیان

خرداد ماه ۶۲، در حالیکه هنوز گزد و غبار بیابان  
های داغ و سوزان جنوب از پژوهه "آفتاب سوخته اش  
پیاک نشده بود، از سوی مزدوران رئیس بازدشت  
شد. آدم کشان چاهل این نتمامی شر افتدند را بایاری  
برهنه، بی آنکه به او اجازه "خداحافظی از همسر،  
فرزندان و پدر و مادر پیغیرش بدنه، از خانه  
ربودند و راهی شکنجه گاه ساختند. پس از ماه ها آزار  
و شکنجه در شاید بلاتکلیفی، بی آنکه از محبویات  
پیروزده اش با خبر باشد او را با چشم بسته به  
دادگاههای پروردند. در چهاریان دادگاه مردانه ایستاد و  
از حقایقیت خود و آرمانش دفاع کرد. وقتی روی شهری  
جلد از او پرسید که چرا دستورات "امام" را در  
بیاره "خارج شدن نتمامیان از اخراج سیاسی اجرا  
نمکرده ای، خلیل با قاطعیت گفت: من آگاهه این  
دستورات را اجر انتکده ام! اور ابه چهار سال حبس  
محکوم کردن. پس از بیایان جلسه "دادگاه رفیق  
شنبیل را از نوبا با چشم بسته به سالول انفرادی بر دند و  
به چرم گشتنی به شکنجه اش پرداختند.

دوران زندان در زندگی رفیق خلیل بینائی،  
فصل زرین دیگری از مبارزه و پایمردی و تلاش  
برای ارتقا داشت اجتماعی و بینش سیاسی بود. او  
در محیط زندان با چهره‌های درخشنان جنبش  
کمونیستی و کارگری ایران، از جمله برخی از اعضاء  
رهبری حزب آشنا شد. رفیق فعالانه در میانهای  
زندانیان شرکت می‌کرد و با ممتاز و پردمباری، و  
توپاچه به دفاع از اعتقادات خود برد می‌ثابتست. وی  
کمیته روی این جمله «معروف تکیه می‌کرد که:  
کوئی قدر به معنای اتفاقیان ساده‌ای از کامیابی‌ها  
کیانی شنیده نیست، بلکه به معنای اتفاقیه و پیارسازی آن  
لایست: رفیق خلیل با صراحت شخص خود فرستاد  
طلبانی را که آرمان کمونیسم برای آنها و سبله‌ای  
جهت نیل به مقاصد جاه طلبانه است، مورد انتقاد  
قرار می‌داد و بر آن بود که هر گونه ضعف و سنتی و  
عقب نشینی‌های غیر منطقی در برابر ارتقاب، به  
عقب نشینی‌های بعدی منجر خواهد شد. او می‌کفت:  
ما لایه و حرم و خالقیت سایه انتشار، بالعماله  
ای عدالتی و آزادی گشته و پیکار یا پلیدی ها و  
خرابیات که مردم ما قریب‌ترین اینقدر به وندان  
او قنادله‌ایم، بنا بر این هر گزینی به خالقی رشیده ماذین ره به  
الناسیت و مردم بهشت شفیع‌الهیم گردد. لایه مردم  
ویدانند که نیزه انتشار، رایزنیست چنایت هائی  
هر گذشت شده‌ایند» رایزنیست و دید از زندان را بروی سر  
آن ھاشمی‌رفسنجانی خواهد گزشت.

پس از تحلیل ۵ سال شکنجه‌های وحشیانه "جسمی و روحی به همراه دیگر همراه زمانش به جوشه‌های اعدام سهده شد. اودر زمه ره<sup>۱</sup> کسانی بود که تا این‌سین دم به آزمانهای والا خبیث و فادار ماند و با این‌شار جان بر حقائیقت راه خویش پای فشرد.

از رفیق جلیل دوفرزند یک پسر و یک دختر- به یادگار مانده است.

نامه‌خواهی اش حمله‌ای دارد.

# لائبناک پاد خاطرہ

## هزینه بسیار براى \*\*\*

در تبلیغات رسمی رژیم گفته شد که گویا هجوم

مردم برای شرکت در انتخابات به حدی گسترد  
بوده که در برخی از حوزه‌های انتخاباتی تمام ساعت پس از آغاز  
رای گیری، برگاه‌های انتخاباتی تمام شده و به علاوه  
مجبور شده اند به عنوان ازدحام مردم، زمان  
رای گیری را چهار ساعت تمدید کنند و حوزه‌های انتخاباتی  
ساعت ۲۱ بازگشایان دارند!

این ادعاهای نیز دروغ های پیش‌با افتاده‌ای  
پیش نیست، چرا که تعداد رای‌دهندگان قابل  
پیش‌بینی بوده است. ایران امروز در حدود ۵۲  
میلیون جمعیت دارد. و چون هر ایرانی باداشت ۱۵  
سال تمام دارای حق رای است، پس محاسبه وجود  
نژدیک به ۳۰ میلیون رای دهنده و تدارک برگاه‌های  
انتخاباتی کافی و در نظر گرفتن تعداد لازم  
حوزه‌های رای گیری و ساعت‌ها کار آنها پسندان دشوار  
نیووده است. حال اگر در نظر بگیریم که در حدود ۱۴۵  
میلیون رای‌دهندگان اصله در انتخابات شرکت  
نکرده اند، ادعاهای "ازدحام جمعیت" شوی می‌نمک  
بپیش‌بینی نیست.

نایاب فراموش کرد که از سوی همه "آیات  
اعظام" و "حجج اسلام" شرکت در انتخابات و  
همه پرسی به عنوان یک وظیفه "شرعی" اعلام شد که بجا  
نیاوردن آن موجب عقوبت اخروی است. ولی نه  
اینکه تو صیحته تو صیحته و نه تهدید به مجازات‌های دنیوی  
نتوانست همه رای‌دهندگان را به شرکت در این  
نماشی مسخره مجبور کند. به ویژه کسانیکه در  
صورت شرکت نکردن در مععرض خطر مستقیم نبودند  
نسبت به انتخابات بی‌تفاوت ماندند.

با تغییر مهره‌ها در بلا، یعنی "رهبر انقلاب"  
شن حامنه‌ای و رئیس جمهور "مقتدر" شدن  
رفشنجانی در سرشت ضد دکتر اتیک، ضد خلقی و  
ارتباطی رژیم دکتر گوئی پیدا شدی. بنیست  
رژیم افزون بر بحران اجتماعی و اقتصادی و مبارزه  
بر سر قدرت و... بنیست "ولایت فقیه" و حکومت  
تئوکراتیک نیز هست. با شکست روبرو شدن  
اندیشه‌های خام خمینی در زمان حیاتش پاید دیکت‌  
به همکاری شان داده باشد که در دنیای پرتللطم و  
بغرنج گفونی، کشور ایران را تنها با تکیه بر  
حکایت دکتر اتیک با نظرات متفرق منطبق با  
نیازهای جهان معاصر، و استفاده از علم و صنعت  
امروزی و قوانینی که برپایه "شناخت دقیق  
ضروریات زندگی "زمینی" تدوین شده باشد  
می‌توان اداره کرد. کسانیکه هنوز هم تکیه گاهی جز  
وصایای پوج خمینی و راهی جز تبدیل مرده اوبه  
اما مزاده "معجزه گر ندارند، بی‌گمان نشووند  
نحوی از این دستور مادر می‌ساختند...

تنها دست کشیدن از دیکتاتوری مذهبی،  
سپردن کارها به دست کاردانان، تن دادن به  
دموکراسی واقعی و احترام به حقوق انسانی پیروان  
همه مذاهب و دکراندیشان، همه طبقات و افشار  
اجتماعی می‌تواند راهکشا باشد. اما شیوه‌های  
غیر انسانی و تروریستی کشورداری دارو دسته  
حاکم، و پهلوخان عمل نتائج تاریخی قتل عام  
زندانیان سیاسی در تابستان سال کلشته و ادامه آن  
به صورت آدمکنی‌های دزاده نشان می‌دهد که  
رژیم "ولایت فقیه" جز خفقان و آدمکشی راه دیگری  
نمی‌شandasد.

دست رد پرسینه اش گذاشتند و خمینی با دهنگی او  
را به شورای تنهایان برد و آقابالاس مجلس کرد، در  
مصالحه خود با پیش‌مری تمام گفت که چون ۷۷ نفر  
از کاندیداهای کارگر، راننده و... بوده اند  
شورای تنهایان رای به عدم صلاحیت آنان داده  
است!

با وجودیکه در شرایط اختناق حاکم پرجامعه  
و حضور ۳۰۰ هزار "نائلر" ازسوی وزارت کشور در  
حوزه‌های اخذ رای جای پیچکوئه تکراری وجود  
نداشته است، باز هم شورای تنهایان، ۷۷ نامزد  
انتخاباتی دیگر را حذف کرده است تا مهادا موجب  
زحمت برای دوهره ای شوند که ایقای نقش "رئیس  
انتخاباتی" را بعده داشته اند.

بسیاری چوانتراها در اثر شوک ناشی از خبرها دچار  
آشفتنگی روانی می‌شوند. بیماری "شیزوفرنی" شایع  
ترین نوع بیماری روانی بود. بیمار روان پریش،  
توهجهات خود را واقعی می‌پندارد. در مراحل  
اولیه، بیماری، بیمار به شوابهایی که دیده بود  
اعتقاد پیدا می‌کند و رفته به دیوانه ای کامل و  
متافقانه درمان نایابی تبدیل می‌شود. مابیمارانی را  
دانشیم که از شدت بیماری و تلقین پخود، تجلی  
خواهابیشان را در واقعیت می‌دانند و تیز بیمارانی  
که بهترس روانی از سوک، سُت یا موجودات  
دیگری دچار می‌شوند و عملی می‌دانند که بیمار از  
درد قسمتی از اعضا بدمش که زمانی دور تو ساسک  
کاچر گرفته شده بود، رنج می‌برد و کریه می‌کند. حال  
چون بنای عقیده "جلدان حاکم" دختران پاکره  
بعد از مرگ راهی بیش می‌شوند و اینها لیاقت  
بهشت راند اند. البته بقول خودشان "انسانیت"  
(!) بینچ می‌دادند و با تشریفات "مرغی" و قاتوی  
آنها را به صیغه "برادری" در می‌آوردند و بعد مم  
مهربه ۵۵ تهمانی شان را همراه اهای چه عیش شیرینی  
برای دهن کنی و توهین به خانواده‌های اعدام  
شدگان، به آنها تحويل می‌دادند. برای این کار  
گروهی از رذل ترین شکنجه‌گر کان را که اکثرا  
"سادیسم" داشتند، بکار می‌کردند.

گذشته از شرایط بد غذا و تغذیه، وضع اسنایک  
بهداشت، مشکل بعدی مابود. آنهم بد لیل وضعیت  
خاص جسمانی زن که بیشتر نیازمند بهداشت است.  
به مابسیار دیر به دیر اجازه "حمام کردن" می‌دادند.  
در مواقیع "عادت ماهانه" بد لیل کمیود "نوار  
بهداشتی" از پارچه‌های غیر بهداشتی و آلوده و  
لباسهای اضافی‌مان استفاده می‌کردیم که شود این  
امر عوارض و بیماریهای گوناگونی را ایجاد می‌آورد.

وجود شیش و انواع بیماریهای گوارشی و پوستی، از  
جمله کمال، امان از مابریده بود. من هم به بیماری  
کمال مبتلا شدم. این بیماری ابتدا در نقاشه ای از  
بدن بروز می‌کرد. شروع آن با خارش شدید همراه  
بهداده ریز قرمز، روی پوست مویدا  
می‌گردید و خارش شروع می‌شد، آدم احساس می‌کرد  
که هزاران مورچه زیر پوستش راه می‌رود و قرد مبتلا  
اصلاً نیاز نداشت از خارش اند نفعله "آلوده خودداری  
کنند. خارش اند هم موجب ترکیدن دانهها و سایت  
آن به دیگر قسمتها بدن می‌شود. عفونت رحم از  
دیگر بیماریهای شایع زندان بود این بود این بیماری  
در مراحل پیش‌رفته "خود"، صدمات جدی به سلامت  
جسمانی بیمار وارد می‌ساخت.

در چنین اوضاع و احوالی وقوعی که خبر  
اعدام شهروان، رفاقتایاد و ستائمان را به مامی دادند  
و یا کسانی را از بین ما برای اعدام می‌بردند،

می‌گرد. شکنجه بار دیگر تکرار می‌شد. جای ورم‌های  
خون مردگی به قول شکنجه کران "مثل گل" شکنجه  
می‌شد و خون و چربک و عفونت بیرون می‌زد. دوی  
پای زخم داربرخی از زندانیان مقام راه می‌رفتند  
تا به اصطلاح خود آنها را "دب" کنند. مدارای  
پرکشی بسیار سخنی بود. اکثراها گوشت آش اضافه  
می‌آورد. شکنجه کران توصیه می‌کردند که "بعد ا  
بروید چرا ای پلاستیک کنید".

\*

... پس از ورود به زندان، من متوجه شدم که  
باردار هستم و این برايم خیلی ناراحت کننده بود.  
به موجود عزیز و بی کنایی می‌اندیشیدم که با  
تولدش در این دوزخ، نه پدری دارد و چه بسانه  
مادری. فکر کردن به زندگی شان را فدا کردم و...  
داشتم واقعه برايم آزار دهنده بود. اما پس از  
چندی تو انشتم عیقا درک کنم که برای پیک مادر،  
چیزی معمول و کرامی ترا از وجود بجهه اش نیست.  
دیگر می‌باشد خود را وقف او می‌کرد. شاگفتنه  
نمایند که همه "این افکار در عین پایینندی و فادارانه  
به راهان از ذهن می‌کلند. راه مقدسی که بخارط  
آن هسرم و رفقایش زندگی شان را فدا کردم و...  
در آن روزهای شوم فاجعه بار و در بی‌قانوی سازک  
بر زندانها بیشتر بجهه‌ها شود را در چنت‌کمال مرگ  
می‌دیدند.

... اینطور می‌کنند که زنان حامله را اعدام  
اما در چنین فضای مرکبیاری مکرر می‌توان راحت بود؟  
تعدادی از دختران کریه می‌کردند و تنهای آرزویشان  
این بود که قبیل از اعدام مورد تجاوز واقع نشوند.  
چون بنای عقیده "جلدان حاکم" دختران پاکره  
بعد از مرگ راهی بیش می‌شوند و اینها لیاقت  
بهشت راند اند. البته بقول خودشان "انسانیت"  
(!) بینچ می‌دادند و با تشریفات "مرغی" و قاتوی  
آنها را به صیغه "برادری" در می‌آوردند و بعد مم  
مهربه ۵۵ تهمانی شان را همراه اهای چه عیش شیرینی  
برای دهن کنی و توهین به خانواده‌های اعدام  
شدگان، به آنها تحويل می‌دادند. برای این کار  
گروهی از رذل ترین شکنجه‌گر کان را که اکثرا  
"سادیسم" داشتند، بکار می‌کردند.

گذشته از شرایط بد غذا و تغذیه، وضع اسنایک  
بهداشت، مشکل بعدی مابود. آنهم بد لیل وضعیت  
خاص جسمانی زن که بیشتر نیازمند بهداشت است.  
بعد از مابسیار دیر به دیر اجازه "حمام کردن" می‌دادند.  
در مواقیع "عادت ماهانه" بد لیل کمیود "نوار  
بهداشتی" از پارچه‌های غیر بهداشتی و آلوده و  
لباسهای اضافی‌مان استفاده می‌کردیم که شود این  
امر عوارض و بیماریهای گوناگونی را ایجاد می‌آورد.  
وجود شیش و انواع بیماریهای گوارشی و پوستی، از  
جمله کمال، امان از مابریده بود. من هم به بیماری  
کمال مبتلا شدم. این بیماری ابتدا در نقاشه ای از  
بدن بروز می‌کرد. شروع آن با خارش شدید همراه  
بهداده ریز قرمز، روی پوست مویدا  
می‌گردید و خارش شروع می‌شد، آدم احساس می‌کرد  
که هزاران مورچه زیر پوستش راه می‌رود و قرد مبتلا  
اصلاً نیاز نداشت از خارش اند نفعله "آلوده خودداری  
کنند. خارش اند هم موجب ترکیدن دانهها و سایت  
آن به دیگر قسمتها بدن می‌شود. عفونت رحم از  
دیگر بیماریهای شایع زندان بود این بود این بیماری  
در مراحل پیش‌رفته "خود"، صدمات جدی به سلامت  
جسمانی بیمار وارد می‌ساخت.

در چنین اوضاع و احوالی وقوعی که خبر  
اعدام شهروان، رفاقتایاد و ستائمان را به مامی دادند  
و یا کسانی را از بین ما برای اعدام می‌بردند،

## سنگسار

تن آدمی راستگار می‌کنند  
شور زیستن،  
زندگی راستگار می‌کنند  
کل خنده،  
شادی راستگار می‌کنند  
گزیده و سرود،  
آواز راستگار می‌کنند  
عطش یافتن،  
اندیشه راستگار می‌کنند  
ن،  
ماهیه هستی راستگار می‌کنند  
برند و بمال،  
پرواز راستگار می‌کنند  
آینده و روونده،  
راه راستگار می‌کنند.

پرورد

## بازهم سنگسار

مفت‌نامی تکه سران مرتبه چهارمی اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، علی‌رغم مخالفت نیروهای ترقی‌خواه در صدد "اسلامی" کردند فواینین پیش‌نامی ایران پوزند، در پاسخ به معتقدین ادعا می‌کردند که در سایه "اجرام این فراینین" چامعه از کنناه و فساد پاک خواهد شد. چمینه درست ده سال پیش از این، در تیر ماه ۱۳۵۸ می‌گفت، "اگر چهار دزد را در مجمع عمومی دست به بردند، دزدی تمام می‌شود. اگر چهارتادیمی را که به فحشاً مهتل استند، به شلاق بهبندند، فحشاً از بین می‌رود..."

زمان زیادی لازم نبود تا نادرستی این گونه سخنان بی‌پایه، که از عدم درست واقعیت‌های امروز چامعه نشات می‌گرفت، بر همتان روش شد. دادگاه‌های شرع از آن زمان تا کنون، بر اساس فواینین مربوط به حدود، قصاص و تعزیرات احکام پیشماری صادر کرده‌اند. هزاران انسان کشته، سنتکار و ناقص العضو شدند و بیشتر خوردنده. لیکن به اعتراض ممه و حقی دست اندکاران رژیم، فساد و آسودگیهای اجتماعی دامنه گسترش‌تری به خود گرفت و حتی دست‌ناه قضايی "اسلامی" را نیز بی‌نمی‌بینند. چندی پیش، احمد همتی، نماینده "جلس رژیم گفت، "... خدا می‌داند تاخیر اندختن بازسازی ادارات و پاکسازی مراکز قضایی خسارتش از خسارتم که تحمیلی گسترده شد..." (رسالت ۱۳۶۱ - ۱۳۶۸). وی در این ارتبا از فساد، ارتبا، سو استفاده و حق کشی‌ها سخن به میان آورد و خوستار مبارزه "قطاطع" با این پدیده‌ها شد. اما چه کسی باید با این پدیده‌ها مهارزه‌کند؟ متوجه اینست که دست‌ناه قضایی میون ما عرصه "حاکمیت روحانیون وابسته به رژیم است؟

در ماه‌های اخیر، همومند با گسترش بحران همه‌جهانیه اقتصادی و اجتماعی، صدور احکام غیر انسانی سنتکار نیز رواج فوق العاده‌ای گرفته است. به کثر ارش مطهوعات مجاز کشور در همین روزهای نفر در شهرهای مختلف سنتکار شده‌اند. این بارانیز فریبانیان از میان کسانی انتخاب شده‌که به نوشته میان مطهوعات غالباً "هرای رفع احتیاج و زندگان" به این‌گونه اعمال روی می‌آورند. نام این شیوه "هرشود را چه می‌توان نهاد؟ اگر رهبران اسلامی واقعاً هم شود را باید بند ابرای "احکام اسلامی" می‌دانند، چرا تا کنون حتی یک بار چنین مجازات‌هایی را علیه غارت‌تاران و چیاولتاران غرق در انواع فساد، که میلیونها تومن از ترور عمومی کشور به چیزی زده‌اند، به کار نمی‌برند؟

سران طراز اول چهارمی اسلامی بارها و بارها رژیم عربستان سعودی را به پیروی از "اسلام آمریکایی" متهم کرده‌اند. اما همتان شاهدند که میان شیوه "اجرام" حدود اسلامی "نیز" - چون کشورداری - میان این دو حکومت تفاوتی وجود ندارد. در عربستان سعودی، رسم بر این است که رهبران و سرمایه‌داران غارت‌تار، که از چیاول میلیونها دلار پول ثبت به زندگی انسانه‌ای و غرق در فساد دست یافته‌اند، از شمول "فواینین اسلامی" بر کثارند و مردم عادی را به چرم یک دزدی کنم اهمیت "قلم یید" می‌کنند. در ایران نیز، که پناهی ادعای آفایان "اسلام ناب محمدی" حاکم است، در

## این صدای جمهوری اسلامی

## است یا صدای آمریکا؟

مزدوران افغانی، تقریباً همه روزه نقاط مسکونی شهر کابل پایتخت افغانستان را با موشک‌هایی که آمریکائی ها بر ایشان می‌فرستند مورد حملات ددمشانه فرار می‌دهند، دهها تن را می‌کشند، صدها تن را زخمی می‌کنند و خانه‌ایشان را ویران می‌سازند.

"صدای جمهوری اسلامی" که این آدمیان را "مجاهدان مسلمان افغانی" می‌نامند، پاچشم بستن بر این واقعیت آشکار که قاتلان مردان و زنان و کودکان مسلمان افغانی، عمال مزد بکثیر "شیطان بزرگ" هستند و چنین افرازهای مدرن را نه با فاچان مواد مخدور بلکه از طریق "سیا" دریافت می‌کنند، با چنان آب و تابی سیمای آنها را می‌آراید که "صدای آمریکا" خود نیز هرات چنین کاری راندارد.

روز شنبه ۷ مرداد، "صدای جمهوری اسلامی" خبر چنایت نوبتی مزدوران "سیا" در افغانستان را به صورت زیر پخش کرد، "مهاجدان افغانستان اموز بار دیتر کابل را مورد حملات موشکی خود فرار دادند. به کژارش شهرگزاری رویتر (به روایه گفته شده که این دست کم ۱۲ نفر از نیروهای دولتی از این حمله دست داشت) از نیزهای دو لقی به هلاکت رسیده و ۰۰ نفر دست به شدت زخمی شدند"؟

هم می‌دانند که این موشک‌ها از فوایل بسیار دور به سوی کابل پرتاب می‌شوند و در ای مکانیسمی نیستند که چذب دکمه‌های فریج نظامی "نیروهای دولتی" شوند. اما "صدای جمهوری اسلامی" که اساس تکارش را بر دروغ‌گوشی و عوام فریبی گذاشت است با حقیقت کاری ندارد، هر موشک آمریکائی حق‌نمایانه می‌باشد، ماموران دولتی راه‌داده قراردادند. بدینسان حقیقت کاری ندارد، هر این آدمکشی ددمشانه چنان می‌بازند "کمونیست" و "نیروی دولتی" قلمداد می‌کرند.

کرد اندکان بخش‌های خبری "صدای جمهوری اسلامی" یا افراد نادانی هستند و یا چنان مسحور تنهایات تخلی و عوامل بی‌های ارزان قیمت داخلی خود شده‌اند که تصور می‌کنند این دروغ‌های شاخدارشان را نیز مردم مثل نقل و نهاد خواهند پلیعید.

این سفر بزرگان در پرف، پیش‌مانه در دنهال خبر خود می‌افزایند، "بر اساس این کژارش، مجاهدان افغانی همچنین روز گذشته ها شلیک ۲۰ فروند موشک به تکابله و ۱۰ نفر از نیروهای دولتی را به هلاکت رسانده و ۲۱ نفر دیگر را نیز زخمی کرده اند".

آیه‌استی کرد اندکان این فرستنده "منادی فقتل و آدمکشی، که هر کد اشان هر ای ظاهر به اسلام پیک و چسب ریش نیز گذشتند اند باور دارند که دروغ‌گو دشمن خداست" و یا فکر می‌کنند برای حق‌قطعه "کیان اسلام" می‌توان بی‌پروا دروغ گفت، "جنایتکار مزدور امپریالیسم را "مجاهدان مسلمان" و قریانیان مسلمانشان را "کمونیست" و "نیروی دولتی" نامید؟

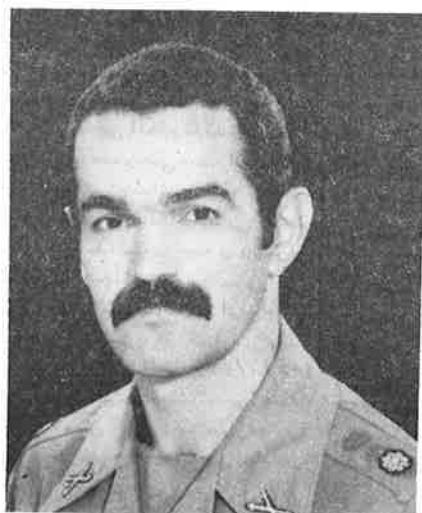
# بادواره رفیق شهید خلیل بینائی ماسوله: راه گل‌های سرخ

امهیالیسم و ارتقای این داشت و بر آن بود که آگاهی توده‌ها سبب نابودی ستختگان خواهد شد. هنگامی که اموج بینان کن انقلاب بهمن برخاست، رفیق خلیل چون بسیاری دیگر از تنایمان آزاده درستگر خلق فرار گرفت. او نه تنها خود به اندیشه کوئنگون از اجرای استورات سران ارتش برای سرگوب مردم سرهیچی می‌کرد، بلکه دینه ایران را نیز به این کار فرا می‌خواند. وی به خاطر این فعالیت هابارهاتوبیج و زندانی شد.

پس از پیروزی انقلاب بهمن، برای ادامه کار پیشتر و منظم انقلابی به حزب توده\* ایران پیوست. هم زمان با شروع تجاوز دشمن بد خاک می‌باشد، به دستور حزب برای دفاع از مرز و بوم، استقلال و تمامیت ارضی ایران و پیروان راندن متباور عازم جبهه‌های نبرد شد. رفیق خلیل در طول پیش از سال حضور فعال و موثر در جبهه‌های جنگ، قهرمانانه در پیشینی عملیات بزرگ، از جمله فتح خوشهر شرکت کرد. **سلطان زندگانی**\*، **الین والی**\*، **ظاریشی** و **مالانگ تکان** فیلم مستند "دوریل آزادی" استه شے طی آن، قبور ملی قیروان یعنی از راشاخن ایزیان پیغمبر هلا فشنان داده شد و قبر ملائی اول و معرفت دیده میلیونی هاشمی از هم میتوان فخر اور گرفت. پس از فتح تاریخی خرمشهر، که نتیجهٔ از خود گذاشته و پایمردی گروه کثیر از پیشین فرزندان ایران بود، رفیق خلیل معتقد بود که پاید هر چه زودتر به جنت پایان داد. اور آن ساله‌ها موارهٔ می‌گفت: با فتح خرم‌شهر صدام از خشت سقوط کرد، ولی با ادامهٔ جنگ و پیشوی نیروهای ایران در خاک عراق او دوباره بر تخت نشست و پایه‌های حکومتش محکم شد. وقتی از رفیق خواسته می‌شد تا برای مداوا و معالجه مدتی به پشت جبهه عزیمت کند، در جواب این مکافت: آشی خاک طاه الآن هر دست هشیان لایت و الکتریک را شرکت گفتیم آن وقته دشی و دو داچل خانه‌هایی شوافیم فیض. به دنبال پیوش ناجوانمرد اند و وحشیانه به حزب توده ایران، رفیق خلیل بینائی نیز در هفتم

پشت نیمکت‌های داشتکدهٔ افسری می‌نشست، سال‌ها از تیر باران روزبه می‌گذشت و رژیم بر آن بود که نام قهرمان توده‌ای را برای همیشه از خاطره‌های زده است. اما این بار روح روزبه در وجود خلیل و خلیل‌ها سبب می‌افراشت، در وجود ممهٔ فرزندان لایق می‌باشد که از تسلماً مشتی مستشار مفتر عن بیانه هم بر ارتش ایران رنج می‌بردند، همان‌هاشی که به هنگام ضرورت، فهرمانانه به دفاع از مرزهای می‌باشند. در صفحه این پاکباختنان، رفیق خلیل بینائی نیز فرار داشت...

هنگامی که در تیر ماه ۱۳۶۷، رژیم خونریز جنینی در پیشبرد رویاهای عظمت طلبانه اش ناتام ماند و ناچار به پدیرش متعبد شد ۵۹۸ تن در داد، انتقام خود را از جمله از کسانی گرفت که سالم‌باشند از آن با احساس سوگی در قبال خلق و میهن، بر ضرورت پایان چنگ از هشت کداره بودند. همان‌هاشی که به هنگام ضرورت، فهرمانانه به دفاع از مرزهای می‌باشند. در صفحه این پاکباختنان، رفیق خلیل بینائی نیز فرار داشت...



آنائی که اطاعت کورکورانه را لایق افسران و در جهاد اران نمی‌دانستند. رفیق خلیل نه تنها وظیفهٔ خود می‌دانست که از هر امکانی برای مخالفت با نظام ارتقا یافته باشد. وقتی از رفیق خواسته می‌شد تا برای مداوا و معالجه مدتی به پشت جبهه عزیمت کند، در جواب این مکافت: آشی خاک طاه الآن هر دست هشیان لایت و الکتریک را شرکت گفتیم آن وقته دشی و دو داچل خانه‌هایی شوافیم فیض. پس اندیشهٔ سارکسیس لئینیس روسی آورد و اندیشه بعد به حزب توده ایران گروید تا در راه روزبه‌ها و سیامک‌ها گام نمهد. رفیق خلیل ریشهٔ تمامی ناهمجایی‌های موجود در جامعه را در تسلیط

رفیق شهید خلیل بینائی ماسوله به سال ۱۳۶۶ در روستائی از توابع فرمانات گیلان در خانواده‌ای محروم دیده به جهان نشود. پدرش باربر بود و هر اراثهٔ نیز از همان او اکنون کی ناچار شدند برای امرار معانش راهی کارگاه‌های چاقوسری شوند و در قیال مرزی ناچیز به کار پردازند. رفیق خلیل در چنین محیطی پرورش یافت و از اولین سال‌های زندگی، درد و رنج روابط انسانی و استثمار اند را برگشت و پیوست خود و اطرافیانش حس کرد. نشو و نماد رفیق چنین محیطی سبب شد تا بعد از آنکه پایی در عرصهٔ زندگی اجتماعی کدارد، به جستجوی علل وجودی تلم و ستم بر انسان‌ها پردازد و پایمداده و استوار به مبارزه در راه جامعه‌ای انسانی برخیزد.

پزدیدی دوران تحصیلات ابتدائی اش در روستا سه‌یار شد و در پی آن ناچار شد برای پاپتن کاری چیزی که دران زندگی و ادامهٔ تحصیل به تهران مهاجرت کند و در پیکی از محله‌های فقیر شین‌ستنی کزیند. او ضمن کارهای دادوی و شاکری در مغازه‌های خیابان چراغ برق (امیر کبیر فعلی)، در کللس‌های شبانه به ادامه تحصیل پرداخت. پسندیده بعد تو ایست تحصیلات متوسطه را به پایان پرساند.

رفیق خلیل، چند کاهی پس از پایان دوره دیپرستان، وارد داشتکدهٔ افسری ارتش شد و پس از گذراندن دورهٔ داشتکده در رسسهٔ تپیخانه به درجهٔ ستوان دومی نائل گردید. هنگامی که اور

## رفقا! دوستان حزب!

زندان و خواه سالهای پویاندگی در پیرون از زندان دارید برای ما ارسال

در چریان فاجعه‌ملی کشnar زندانیان سیاسی قافله‌ای از فرزندان خلق که در صروف حزب توده ایران در راه بهروزی و نیکبختی توده‌های رنج تک نک همراه‌مانشان می‌گذارد. زندگی سراسر رنج و کار و پیکار و پاید اری هر شهید راه خلق می‌تواند باب دنیا ای از آموزش را به روی انسانها باز کند. خواهشمندیم اطلاعات خود و از جمله هکس رفاقتی شهید را به آدرس بدینو سهله حزب ما از شما می‌طلبند که هر اطلاع یا خاطره‌ای از زندگی شکوهمند این رفاقتی شهید - خواه زندگی فردی یا اجتماعی، خواه از سالهای "نامه مردم" ارسال دارید.



## صداقت در خلوات تنهایی

چند سطر از وصیت‌نامهٔ منظوم خمینی

چون به عشق آدم از حوزهٔ عرفان دیدم  
آنچه خواهیدیم و شنیدیم همه باطل بود

در جمع کتب هیج حجابی ندیدیم  
در درس صحف راه نبردیم بجایی

این خرقهٔ ملوث و سجادهٔ ریا  
آیا شود که بر در میانه بسردوم؟

روم در جرگهٔ پیران از خود بی خبر شاید  
برون سازند از جان به می افکار خام را

از آن می‌بزد رجام که جانم را فنا سازد  
برون سازد زهستی هستهٔ نیرنگ و دام را

دست من گهر و از این خرقهٔ سالوس رمان  
که در این خرقهٔ پیر جایگهٔ جاهل نیست.

\*

کارشناسان مکتبهٔ "حوزهٔ عرفان" در ارتباط  
با این غلط‌ها و ضیحات رپورداده اند:

۱- متن‌اور از "حوزهٔ عرفان" "حوزهٔ علمیه"  
نیست.

۲- متن‌اور از "میخانه"، شرابخان  
نیست.

۳- متن‌اور از "سجادهٔ ریا"، چانماز  
آخوندهای ریا کارنیست.

۴- متن‌اور از "خرقهٔ سالوس" کسوت  
روحانیت نیست.

۵- متن‌اور از "افکار خام" تئوری "ولایت  
فقیه" نیست.

۶- متن‌اور از "متنهٔ تیرنگ و دام" دادن  
کلید، پلاستیکی بهشت به نوجوانان بسیجی  
نیست.

ناین‌گان خلق آزوهای توده‌های وسیع را انبیاشته  
کرد و نیروی محركهٔ پیزگ و خلاقی به آگاهی  
اجتماعی داد و سهم بزرگی را در بیافتن راه حل‌های  
علمی برای مسائلی که امروزه در بر این‌همهٔ ماقرار  
دارد، ادا کرد.

دشمنان کموئیسم از قدمی تلاش کرده اند که  
آنرا به مثابهٔ "محصول مصنوعی" فکر چند اندیشمند  
ایده‌آلیست، به عنوان بینای خالص ایدئولوژیک  
چنانه دهنده در تضاد با واقعیت اجتماعی است و به  
زور "شورشیان" تحمیل شده است. آنها می‌خواستند  
در وجود شکلات نوشایی که امروزه اتحاد شوروی  
و چند کشور سوسیالیستی دیگر با آنها دست به  
گریبان هستند انتقادات قدمی خود به کموئیسم  
راتایید شده بودند. اما تاریخ دوباره و دوباره به  
اثبات این‌گان که جامعهٔ سوسیالیستی چاپ‌ترین  
و اعیانی‌ترین سرمایه‌داری است.

کموئیسم ضامن تلاش مردم برای دستیابی به  
عدالت اجتماعی بوده و خواهد بود.

ار، دارویژه

شده شعارهای "مرگ پر مدیر عامل" و "مدیر عامل  
منتخب ملتیست" داده شد. مدیر عامل ناگزیر شد که  
با ترس و لرز در اجتماع تاکسی ران حضور یا بهدو  
قول پدد که هاتلاش او از میزان مالیات ناهمده  
کاسته شود. اما قول مدیر عامل تاکسی ران را قاضی  
نکرد و صدای اعتراض را هلنگ تر کردند. تا  
آنکه مطابق معمول ریزیم ج. ا. که هر حرفت حق  
طلبانه ای را با سر نیزه پاسخ می‌دهد، مزدوران ریزیم  
در سپاه و شهریان وارد میدان عمل شدند.

تاکسی ران در مقابل حکم آمرانهٔ "مزدوران" که  
می‌گفتند "هر چه زودتر متفرق شوید" پاسخ  
می‌دادند: "ما خلافی نکرده‌ایم و با شما کاری  
نداشیم. ما داریم در مورد عوارض با مدیر عامل  
صحبت می‌کنیم". چنین پاسخهای مزدوران ریزیم  
را "قانیهٔ تکرده" و با حمله به اجتماع تاکسی ران  
سر انجام آشان را "متفرق" کردند. اجتماع بعدی  
رانندگان تاکسی چند روز بعد در "ورزشگاه آزادی"  
بود. در این اجتماع حدود ده هزار عضو اتحادیه  
شرکت داشتند. کار پیچائی رسید که موسوی، نخست  
وزیر، دخالت کرد، امامویق به حمله شدند.

قرار شد در نشست دیگری مسائل و مشکلات  
سنگی تاکسی ران تهران را "متفرق" کردند. اجتماع بعدی  
برخی از رانندگان معتقدند که علت اصلی عدم  
موفقیتشان در رسیدن به خواسته، شرکت نکردن  
همهٔ اعضای اتحادیه در اجتماعات مربوطه بوده  
است.



\* وضیع پیل چل افری دار سری از خانه‌ها

در سپاه‌خانه‌ها بعلت کمهد بودجه و  
امکانات، مواد غذایی کافی به سپاهان داده  
نمی‌شد. چهرهٔ غذایی روزانه سپار کم است.  
سپاهانی که دستشان به دهستان می‌رسد در تعطیلات  
آخر هفته و مرخصی‌ها می‌کوشند با خود کنسرو و  
پادکان بیاورند تا از گرسنگی رنج نهند. سپاهی  
می‌گویند پیش خودمان می‌گفتیم تو خانه که چیزی می‌  
آن صورت گیری می‌آمد، میریم سپاری لایل  
یک وعد غذای خوب دشنه روزی شوریم. اینجا  
هم که آمده‌ایم، قحطی است. صدرحمت به خانه  
خودمان.

\* گروهی کوتاهی از پیادکان سپاه در اصفهان

## زمان \*

این توصیه‌ها، پیشنهاد ها زنگشت دوپاره به تاکتیک  
و استراتژی دوران "چنگ سرد" در رابطه با اتحاد  
شوری مطرح می‌شود.

در این شماره "روزنامه مخواهند" می‌تواند  
بویژه ها مصاحبه، مجله، اپیگل آلمان غربی ها  
پ. پرل، معاون پیشین وزیر دفاع ایالات متحده،  
آمریکا در دولت ریکان، آشنا شود. سخنان خشماکین  
او در بارهٔ اتحاد شوروی حتی موجب تسخیر علی‌  
خوبت‌تار کارکشته آلمان غربی نیز شده  
است.

همان‌روزه که پید است، گرچه "چنگ سرد" به  
گذشته مربوط شود ولی ستگرهای آن هنوز پا خاک  
هموار شده است.

اما دوپاره به مسئله "مرگ کموئیسم" باز  
گردید.

تا چندی پیش، خود فکر امکان پیدایش  
بهران در روئند رشد جامعه سوسیالیستی توهمی  
به حساب می‌آمد. این رشد را علم رسی مایه عنوان  
چنی‌کام به کام و بدون انحراف، به سمت بالا در  
راه هموارتری ترسیم می‌کرد.

اکنون ما با تضادهای ویژه "جامعه"  
سوسیالیستی در راه تاریخی اش آشنا می‌شویم. برای  
بهران رفت از دورهٔ رکود، مادریاتیم که نظام  
اداری - فراماده‌ی رهبری اقتصاد مانع رشد  
نیروهای مولده است. در مرحله‌ای مشخص همان‌گونه  
که اکنون پیشتر و پیشتر آشکار می‌شود، روئند طبیعی  
شکل‌گیری ملت‌های سوسیالیستی بطور خشن زیر پا  
گذاشته شده و روابط بین ملت‌ها در یک سر از مناطق

کشورها بای قانونی و خودسری اداری مسوم گردیده  
است. محدود کردن دمکراسی سوسیالیستی،  
پدیده‌های دردناک اجتماعی چون می‌تفاوتی سیاسی  
را بهره‌آورده است.

اما اندیشهٔ جامعه تنها به کشف انتهاه و  
کمهدها محدود نشد، بلکه به پیش رفت. گفتگو

پادکان آموزشی سپاه پاسداران در اصفهان،  
فائد هر گونه امکانات زیستی و بهداشتی است. یکی  
از پاسدار وظیفه‌های این پادکان می‌گوید: "از  
نقاوت و مقررات خبری نیست. گاه پیکانه شب به  
خواسته می‌آیند پاس و صدا و به زور گشته و قنداق  
تغیق پهون ملاحته هم را به میدان می‌برند. بویزه در  
بسار این بین افرادی صدمه هم بینند. بویزه در  
هسته ای از بیماری و بروز سوانح آدم متوجه می‌شود که از  
حد اقل، امکانات درمانی نیز خبری در میان  
نیست... مادورهٔ فوق دیبلم به دید و به اصلاح  
وضعنان از سپاهانها بهتر بود. چون هر چه که بود  
مدتی به خاطر کلاس ایدولوژیک استراحت  
داشتم... در مدتی که دورهٔ آموزشی را  
می‌گذراندم دو نفر از دستام دیوشه شدند. آنها  
را به تیمارستان نمی‌برندند، چون فکر می‌کردند که  
خودشان را به دیواناتی زده‌اند تا از سپاهی از  
کنند، ولی با آخره دیدند که نه، آنها واقعاً شاعر  
خودشان را از دست داده اند...

\* هیلارزه "صنفی تاکتیک افغان

اتحادیهٔ تاکسی ران تهران بهایی بر ۲۰  
هزار نفر عضو دارد که اغلب از وضع موجود  
شاراضی اند. علاوه بر آن که امکانات و لوازم  
بدکی لازم در اختیارشان قرار نمی‌گیرد. هر روزها  
دشواریهای چندیده روبرو می‌شوند و همین سبب شده  
است که برای رسیدن به خواستهایان دست به  
حرکات اعتراضی بزنند.

مثل‌سال پیش وقتی که شهر از تهران بایت  
تومان از تاکسی‌داران مطالبه کرد حدود ۸ هزار تن  
از تاکسی ران در برای اتحادیهٔ تاکسی ران  
گرد آمدند و اعتراض خود را اعلام داشتند. آنها بر  
آن بودند که مدیر عامل اتحادیه از عوامل ریزیم است  
و در پنده و پست با اموالیات طرح ترافیک راه را  
تاکسی ران در نظر گرفته است. در گردهمایی باد

## زمان نوزایی

ماه‌نامه سندیکائی آلمان غربی:

### دست جلاذ گوتاه!

ماه‌نامه سندیکائی "ناخ ریشن" بخش اعظم ستون خبرهای بین المللی تشریه خود در ماه ژوئن را به تشریح جریان سرکوب نیروهای دموکراتیک و جنبش سندیکائی ایران اختصاص داده است.

در مقدمه "این گزارش آمده است:

"خبر این مربوط به اعدام‌های جمعی در ایران افکار عمومی جهان را پیوسته تکان می‌دهد. فرخوان مرگ سلمان رشدی از سوی آیت‌الله خمینی مدت‌هاست که مردم سپاری را به درجه عقب ماندگی صاحبان قدرت در ایران آگاه کرده است. آما آنچه که کمتر شناخته شده است وجود شار سپاری از اعضاء کادرهای سندیکاهای منوع شده در میان قربانیان رژیم است."

این تشریف سیس با ذکر اسمی سندیکالیست‌های اعدام شده و با اشاره به فرخوان همبستگی "کمپیون ارتباطات سندیکائی آلمان" (د. گ. ب.) و "کنفرانسیون بین المللی سندیکاهای آزاد" می‌پردازد.

"در این زمینه سندیکاهای آلمان غربی کمک کاری کرده‌اند، چیزی که بایستی هرچه سریعتر جهان شود. این نکته در مورد "کنفرانسیون بین المللی سندیکاهای آزاد" نیز صادق است".

"ناخ ریشن" در پایان گزارش خود می‌نویسد: "قداریون سندیکائی جهانی" و "کمپیون ارتباطات سندیکائی زحمتکشان ایران" در فرخوان مشترکی به سندیکاهای سراسر جهان پادآور شدند.

"برای قطع دست جلاذ و نجات جان صدها کادر که ظالمانه به اسارت کشیده شده‌اند، خلک‌ها و زحمتکشان ایران به همبستگی فوری شما نیاز دارند".

تئوریک، ابهازه "گذار به مرحله‌ای نوین و گیفیتی‌عالی" ترا می‌دهد.

گاهی قابلیت کاوش‌های خرد جمعی ما حتی باعث رنج دوستانی می‌گردد که تجزیه اجتماعی- تاریخی آنان را تجارب ما کاملاً متفاوت است. پرسشها و گاه تردیدهای آنان مستلزم پژوهش و گفتگوی چندی و پیاسخی از سوی ماست که به طور ژرف درباره آن اندیشه شده پاشد. اما در کمونیسم ستیزهای سنتی و ستایشگران سرمایه‌داری، رستاخیز معنوی سوپرالیسم، مایه و اکتشافی مانند ناپردازی و هراس می‌گردد.

حالی اینکه همسایه‌ها در مسام په خاک سپاری کمونیسم با توصیه‌های کاملاً مشخص سیاسی و فرخوانهایی به رجال دولتی غرب همراه است. در پیشی در ص ۷

خواهد داد. از آوردن چنین نقل قول‌های طولانی بوزش می‌خواهم. اما این نقل قولها چالب اند و نظراتی را که در آنها بیان گردیده است باید داشت، نه تنها به آخر مضمون نهفته در آنها که اندیشه و دانش سوپرالیسم علمی را چنین ساده می‌کند، بلکه حتی به خاطر سیک و لحنشان یعنی روح عدم تحمل و پدغواهی نقد کنندگان و دشمنان امروری کمونیسم.

اولین بار نیست که سرمایه‌داری مراسم پشاک سپاری پر هیاهوی کمونیسم را برپا می‌کند. عدم تحمل پروروزای نسبت به ایدئولوژی ای که تهم آرزوی‌های خاقی عدالت اجتماعی است با گذشت زمان جذیف، نی شود. و فکر می‌کنم منتظری که درباره تقدم ارزش‌های همه پسری در جهان امروز سخن می‌گوئیم نهاید این را نیز از نظر دوربند اریم که دشمنان اندیشه‌های ما اصله به این تقدم باورند و با معیارها و قالبهای کهنه به سراغ ما می‌آیند.

باید گفت، دکتر گوشنزاری گنوشی که در اتحاد شوروی آغاز گردیده و توجه وسیع ترین مخالف چوام غربی را به خود چلب کرده است، در اشاره ساکمه باعث گشتنی نظرات شده است. این قابل درک است. دکتر گوشنزاری، بویزه در عرصه سیاست خارجی اتحاد شوروی، و روش فرمول یابنی شده پوسیله "کشور ما که از نو اندیشه سرچشمه می‌گیرد، یعنی "تامین همزیستی سالمت آمیز واقعی و ایدئولوژی زدایی روابطین دولتها، آنها را در مقابله ضرورت اتحاد تصمیم‌های نازه قرار می‌دهد. تصمیماتی که اتخاذ آنها برای غرب اغلب دشوار است و نه تنها تجدید نظر در اهداف سیاسی و نهادی است. از این‌جا پیشین رای طالبد، یا که به منافع مشخص گروههای مالی-صنعتی نیز برخوردار می‌کند.

و پن نکته دیگر. رجال با تفویض سیاسی و دولتی غرب اذاعان دارند که زنده کردن افسانه خطر نظامی شوروی امکان پذیر نیست. دیدار اخیر میثاچیل سرگیویچ گارایچف از چهارمیوری فدرال آلمان ثابت کرد که در مرکز قاره اروپا فضای چندیدی حاکم می‌گردد که در آن منافع صادقانه متنقابل و آزادگی برای همکاری، چایزترین احسان بی. اعتمادی متنقابل و وحشت می‌شود. در این فضای توجه به امکانات سازندگی نفستین چاهده سوپرالیستی در تاریخ پسر به گونه‌ای چشمگیر افزایش می‌یابد.

میان غرب و شرق اروپا گفتگوی میان روشنگران که در زمان رکود علاطف شده بود از توپر قرار می‌گردد. این وضع که اندیشه "زنده" مارکسیستی در دوره رکود به شاموشي گراییده بود و در سالهای اخیر باقع چنان تازه گرفته است، به انجام گفتگو کمک می‌کند. در جریان مهاجماتی که در شورهای چهارمیوری سنتی و ستایشگران سرمایه‌داری، رستاخیز معنوی سوپرالیسم، مایه و اکتشافی مانند ناپردازی و هراس می‌گردد.

کمونیسم را فرهنگ نویسان نظریه‌پردازه همان‌گونه که ما

در ماههای مه و ژوئن، در تعدادی از نشریات کثیر الانتشار منتشر می‌گردند. مقالاتی درباره "پک" موضوع مشترک به چاہر رسید. موضوع این مقالات عبارت بود از "مرگ کمونیسم". در مجله "یادبود"، نویسنده‌گان هفت‌نامه "بریتانیائی "سائد تایمز" هفت‌نامه آمریکائی "نیوزویک" و چند نشریه دیگر آمریکائی و اروپای غربی چشم گرفتند.

در سر مقاله "سائد تایمز" تحت عنوان "کمونیسم... آرام پتواب" از جمله چنین تاکید می‌گردد: "برای همه چهان کمونیسم دیگر آن چیزی نیست که بتوان آن را پدیده‌رفت و نموده قرار داد، کمونیسم هرگونه ارتباط با دکرگویی در راستای بهسازی و یا اهداف عالی انسانی را از دست داده است... کمونیسم، ایدئولوژی ای که گوشیدار آغاز این سده موج آینده بود، ممکن است در آغاز سده آینده دیگر به آن شکای که ما آن را می‌شناسیم در میان مأجود نداشته باشد".

روزنامه بیس چنین ادامه می‌دهد: "اکنون فریباشی ناکریز تاریخی کمونیسم (ما کاربرد و از کان خود سارکسیسم) را در پیش رو داریم. ایدئولوژی کمونیسم هم‌واره پیشتر درباره اقتصاد بود تا سیاست. این ایدئولوژی آزادی سیاسی را تابع امر اقتصادی کرد. با این وجود، این ایدئولوژی در تا ریخت کوتاه مدت خود نشان داد که استداد آن را نداند از این اقتصادی با نظام دمکراتیک غرب رقابت کند، گرچه این نشان قتل از هر چیز سیاسی است، و طبیعت اقتصادی آن بسته به رویه انتخاب کنندگان برای آنکه بین بازار و دخالت دولت نوشان کنندیه اند از اکنایی بر اکنایی است".

گچه مقاله "مجله نیوزویک" تنهای اندکی به نتیجه‌گیریهای سردپیر "سائد تایمز" می‌افزاید، با این وجود می‌خواهم از یکی دو چای این نفسیز نیز چملاتی نقل کنم. نشست در ارتباط با "سرشت" کمونیسم و اینکه نویسنده چنونه آن را در حال افول می‌بیند. او می‌نویسد: "زندیکی به یک سده اندیشه کمونیسم که را تحت تاثیر خود قرار داده بود. این اندیشه تهییدستان را به خود چند می‌کرد، زیرا به آنان امید به آینده را نوید می‌داد. در برتو نبوغ سازمانی و انقلابی لذین، حزب کمونیست سلاخی شده‌ای آنان که می‌بخواستند قدرت را به دست گیرند و آن را حفظ کنند. کمونیسم دارای نیروی چاذب ایدئولوژیک و معنوی برای میلیونها انسانی بود که به این اندیشه ساده و فریبینده باور داشتند که می‌گوید، چامعه بر این‌ری، بدون دولت و بدون پول می‌تواند وجود داشته باشد". نتیجه‌گیری قاطع اینکه "در سده‌های آینده کمونیسم را فرهنگ نویسان نظریه‌پردازه همان‌گونه که ما

### برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"! سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!